



بازنگاهی بر آسیب‌ها و چالش‌های حرفه‌ای معلم در مدرسه صالح؛ با تأکید بر مسئله‌ی مدیریت پرسش و پاسخ در کلاس درس

علی هدایت^۱

۱- نویسنده‌ی مسئول، دبیر زبان و ادبیات فارسی شهرستانهای استان تهران

چکیده

روش پرسش و پاسخ، به عنوان یک روش مستقل و هم به عنوان روش و فنی که می‌توان همراه با روش تدریس‌های دیگر به کار برده شود، مطرح گردیده است. یکی از اهداف آموزش و پرورش در قرن حاضر، یادگیری چگونه آموختن و تدوین و ایجاد مجموعه‌ای از فرایندهای تفکر برای حل مسئله‌هاست. هدف از روش پرسش و پاسخ، تشخیص و تحریک تفکر، توانایی‌ها، علائق، تقویت قدرت استدلال، سنجش و قضاوت، استفاده از تجارب و دانسته‌های گذشته و ایجاد اعتماد به نفس در دانش‌آموزان است. پرسش و پاسخ واجد اهمیت و فواید فراوانی برای معلمان و شاگردان است و زمانی می‌توان به فواید مذکور امیدوار بود که معلمان به نکاتی که موجب افزایش ثمردهی آن است توجه نمایند. باید به عوامل مختلف همچون: ایجاد جو و فضای مناسب برای شاگردان، زمینه‌سازی مشارکت همه دانش‌آموزان در روند پرسش و پاسخ، برخورد مناسب معلم با پرسشگری دانش‌آموزان، برخورد مناسب معلم با پاسخ دانش‌آموزان به سوالات، تشویق و تقویت دانش‌آموزان با پاسخگویی صحیح و همچنین برخورد مناسب معلم هنگام پاسخ نادرست دانش‌آموز و... توجه نمایند در مقاله‌ی حاضر، ما به دنبال آن هستیم که مسئله‌ی پرسش و پاسخ و مدیریت پرسش و پاسخ که یکی از چالش‌های حرفه‌ای معلم است و ممکن است آسیب‌ها و نقاط ضعف و همچنین نقاط قوت و مثبت فراوانی نیز داشته باشد را به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دهیم.

کلید واژه: اخلاق حرفه‌ای، معلم، پرسش و پاسخ، مدیریت کلاس، فنون تدریس



۱- مقدمه

یکی از ویژگی های معلم هوشمند و دقیق، استفاده از ظرفیت ها و روشهای متناسب با دانش آموزان و فراگیران است که دانش آموزان و فراگیران را در رسیدن به اهداف آموزشی یاری می نماید. شاید به همین علت بوده است که کتب متعددی در زمینه ی روشها و فنون تدریس به رشته ی تحریر در آمده است که هر کدام از منظری به موضوع مذکور نگریسته اند و غالباً مطالب مهمی را درباره ی این موضوع به رشته ی تحریر در آورده اند.

روش پرسش و پاسخ، به عنوان یک روش مستقل و هم به عنوان روش و فنی که می توان همراه با روش تدریس های دیگر به کار برده شود، مطرح گردیده است. پرسش و پاسخ به عنوان یک روش تدریس مستقل زمانی مطرح است که مدرسی تصمیم می گیرد که کلاس درس خود را عمدتاً با این روش تدریس کند. اما کمتر اتفاق می افتد که معلمین به چنین کاری روی آورند. آن چه غالباً بیشتر دیده می شود و بیشتر هم کاربرد دارد آن است که معلمی در ضمن استفاده از مثلاً، روش سخنرانی در قسمت های مختلف تدریس از پرسش و پاسخ هم بهره می گیرند. (علوی، ۱۳۹۶: ۱۱۷)

یکی از مولفه های مهم در به راه انداختن جریان تفکر، پرسش است. تا پرسش مطرح نشود، فکر به حرکت نمی افتد و تا فکر به حرکت نیفتد، دستیابی به پاسخ و شناخت نیز امکان پذیر نخواهد بود. (صفایی حائری، ۱۳۹۰)

دیوئی معتقد است جریان تفکر و اندیشه ورزی، همواره از مواجهه با یک مسئله یا پرسش از راه حل آن، آغاز می شود (علوی، ۱۳۸۶، ۱۷۱)

در کل هنر پرسشگری به عنوان موثرترین ابزار در عرصه ی تربیت مورد توجه است. اگر پرسش به صورت مناسب و در زمان مناسب مورد استفاده قرار گیرد یعنی مدیریت شود، می تواند، در همه جا، برای همه ی موقعیت ها و همه ی انواع یادگیری مفید واقع شود. پرسش خوب، فهم خوب را نیز به دنبال دارد و می تواند ابزار سازماندهی دانش واقع شود.

می توان گفت: مسئله ی تعلیم و تربیت در راستای تقویت اندیشه ورزی و تفکر، نیازمند فراهم سازی زمینه هایی برای پرسشگری و تقویت آن است. برای نمونه روش دیالکتیکی سقراط را می توان بارزترین نمونه کاربرد پرسش در راستای تعلیم و تربیت به شمار آورد. به نظر می رسد سقراط با استفاده از پرسش و پاسخ و برجسته کردن مجهولات افراد در پی آن است تا آنان را به سوی حقایق رهنمون کند. (قائدی ۱۳۸۳: ۴۹)

در مقاله ی حاضر، ما به دنبال آن هستیم که مسئله ی پرسش و پاسخ و مدیریت پرسش و پاسخ که یکی از چالش های حرفه ای معلم است و ممکن است آسیب ها و نقاط ضعف و همچنین نقاط قوت و مثبت فراوانی نیز داشته باشد را به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دهیم.

۲- پیشینه ی پژوهش

سجادیه و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «رویکردی تربیتی به کارکردهای پرسش از منظر قرآن کریم» با تامل در پرسش های قرآنی با روش تحلیل زبان فنی-رسمی، ضمن تبیین جایگاه ویژه پرسش در فرایند تربیت، کارکردهای آن را استخراج نمودند. یافته های پژوهش نشان می دهد ادبیات پرسشی در قرآن کریم، راهبردی است که مشتمل بر کارکردهای متعدد در



مسیر تربیت مخاطبان است. برقراری ارتباط با موضوع (حکای و تمرکزی)، وارد ساختن تنش شناختی، بازیابی بینشها در ساحت تحول درونی، غفلت زدایی و یادآوری بدهیات فطری و عقلی، بسط منظر فرد نسبت به واقعیتها، برانگیختگی عاطفی، طرح دلیل بر مدعا، تذکر نسبت به موقعیت ارتباطی فرد، نمایان سازی تناقضات فکری مخاطب، خطایابی و کمک به تغییر عملکرد و گشودن عرصه های تفکر از جمله کارکردهای تربیتی پرسش در قرآن کریم است که در مجموع، راهبرد ویژه ای را در مسیر تعلیم و تربیت رقم می زند.

آسوده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش روش تدریس پرسش و پاسخ در میزان فراشناخت دانش آموزان از دیدگاه معلمان مدارس دخترانه مقطع متوسطه شهر کرمانشاه» نشان داد، آموزش به روش پرسش و پاسخ در فراشناخت دانش آموزان بیشتر از حد زیاد است.

آقایی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی روش تدریس پرسش و پاسخ در تعلیم و تربیت کودکان» نشان داد که روش تدریس پرسش و پاسخ در مقایسه با روش تدریس سخنرانی اثر مثبت بیشتری داشته است. بر این اساس می توان اذعان داشت که روش پرسش و پاسخ به عنوان روشی فعال، با قدمت چندین ساله روشی مناسب و کم هزینه برای تعلیم و تربیت کودکان است.

رحیمی مند و عباسپور (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «رابطه روش های تدریس (مباحثه گروهی، پرسش و پاسخ، نمایش علمی و سخنرانی) با انگیزه پیشرفت در دانشجویان» پرداختند. یافته ها نشان داد که میزان انگیزه پیشرفت دانشجویان با توجه به روشهای مختلف تدریس (مباحثه گروهی، پرسش و پاسخ، نمایش علمی و سخنرانی) متفاوت است. همچنین نتایج تحلیل ها نشان داد، دانشجویانی که با روش مباحثه گروهی آموزش می بینند، انگیزه پیشرفت بیشتری از خود نشان می دهند. بر همین اساس به ترتیب روشهای نمایش علمی، پرسش و پاسخ، بر انگیزه دانشجویان تاثیر گذار بودند؛ بنابراین دانشجویانی که با شیوه های نوین آموزش می بینند به انگیزه پیشرفت بیشتری دست می یابند.

امینی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تعیین میزان تأثیر آموزش کتاب دین و زندگی با روش پرسش و پاسخ، بر رشد مهارت های تفکر انتقادی دانش آموزان پایه سوم دوره متوسطه» به بررسی تأثیر روش تدریس مبتنی بر پرسش و پاسخ در ماده درسی دین و زندگی بر رشد مهارت تفکر انتقادی دانش آموزان مقطع سوم متوسطه پرداخته است. این پژوهش یک پژوهش نیمه تجربی است و نمونه آماری بر اساس روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که استفاده از روش تدریس مبتنی بر پرسش و پاسخ در ماده درسی دین و زندگی بر رشد مهارت تفکر انتقادی دانش آموزان تأثیر معنی داری دارد. هم چنین مشخص می سازد که این تأثیر در خرده مهارت های استدلال استقرایی، استنباط، استنتاج و تحلیل نیز معنی دار بوده اما بر خرده مهارت ارزشیابی تأثیر معنی داری نداشته است. هم چنین مشخص شده است که این تأثیر در پسران و دختران ماهیت یکسانی داشته و از لحاظ جنسیت، تفاوت معنی داری بین دختران و پسرانی که از این روش بهره جسته اند، وجود ندارد.



گنجی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل پرسشهای شفاهی معلمان دوره ابتدایی مدارس سماء دانشگاه آزاد اسلامی» به تحلیل فرایند ۹۶۰ جلسه کلاس و ۲۹۵۲۰ سوال معلمان پرداخت و دریافت که معلمان به طور متوسط در هر جلسه ۳۰/۷۵ سوال پرسیده اند؛ از مدت زمان هر جلسه، حدود ۲۰ درصد آن به سوال کردن اختصاص داشته است؛ اغلب سوال ها برای واری میزان فهم دانش آموزان و یادآوری حقایق مطرح شده اند؛ تعداد اندکی از سوال ها بر تشویق دانش آموزان به تفکر تاکید داشته اند؛ پرسش کردن در طرح درس معلمان جایگاهی نداشته است؛ بین ابعاد سوال ها و پایه ی تدریس؛ نوع درس و جنسیت معلمان ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین، معلمان در سوال کردن خطاهایی را مرتکب می شوند، از جمله اینکه فقط از باهوش ترین دانش آموزان سوال می پرسند، طرح سوال و پاسخ دادن به آن توسط خود معلم صورت می گیرد، و همیشه یک نوع سوال مطرح می شود.

شکلیایی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تاثیر داستان های مثنوی معنوی مولانا بر میزان مهارت پرسشگری فلسفی نوجوانان» نشان داد که مهارت پرسشگری و ابعاد آن (پیچیدگی، تحول، تردید و تغییر، جهان شمولی و انگیزش) در دانش آموزان با بیان داستان افزایش می یابد.

کرد (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «تاثیر بازخورد در ارزشیابی تکوینی بر پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی» به این نتیجه رسید که بازخورد دادن به دانش آموزان باعث افزایش پیشرفت تحصیلی آنان می شود. همچنین پرسشگری تمایل فردی را برای پذیرفتن پیچیدگی مسائل وجودی زندگی نشان می دهد.

۳-هدف از پرسش و پاسخ در حوزه تدریس

یکی از اهداف آموزش و پرورش در قرن حاضر، یادگیری چگونه آموختن و تدوین و ایجاد مجموعه ای از فرایندهای تفکر برای حل مسئله هاست. هدف از روش پرسش و پاسخ، تشخیص و تحریک تفکر، توانایی ها، علائق، تقویت قدرت استدلال، سنجش و قضاوت، استفاده از تجارب و دانسته های گذشته و ایجاد اعتماد به نفس در دانش آموزان است. در این روش معلم، دانش آموزان را به تفکر و تلاش درباره ی مفهومی جدید یا بیان مطلبی، تشویق می کند. وی اندیشه ها و تفکرات خود را به دانش آموزان دیکته نمی کند، بلکه چون آینه ای تفکرات و احساسات آنها را منعکس می سازد، و با اظهار نظرهای منطقی، ادراکها و فعالیت های دانش آموزان را جهت می دهد.

اهمیت روش پرسش و پاسخ در آموزش به حدی است که آن را یکی از روشهای مهم آموزش علوم می دانند. این روش به روش سقراطی معروف شده است و ریشه ی تاریخی دارد. در روش سقراطی، مربی با طرح پرسش های هدفدار، یادگیرنده را به سمت فهم مطالب مورد نظر هدایت می کند. (رحمانی، ۱۳۸۸)

متأسفانه در موسسات وابسته به آموزش و پرورش به جای استفاده از روشهای تدریس فعال که باعث افزایش قدرت تفکر و اندیشیدن در دانش آموزان می شود، بیش از حد بر انباشت ذهن و تقویت حافظه و نیز بر انتقال اطلاعات و معلومات به ذهن یادگیرندگان تاکید می شود.



از این رو در نظریه های مختلف یادگیری به پرسش توجه ویژه ای شده و همواره در الگوهای تدریس از سنتی تا کلاسیک مطرح بوده است. در حالی که طرفداران رویکردهای سنتی از پرسش معلم برای تثبیت و تاکید بر مطالب انتقال داده شده استفاده می کنند، رویکردهای جدیدتر بر پرسشگری یادگیرندگان و فعالیت آنها تاکید می ورزند. صفوی، ۱۳۷۲، ۹۴)

۴- مسئله ی پرسش و پاسخ در قرآن کریم

روش پرسش و پاسخ در قرآن کریم بسیار مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم در موارد متعدد با ذکر سؤالات مطروحه از سوی افراد مختلف بلافاصله به هر کدام از این ابهامات، پاسخ داده است. مجموعه ای از آیاتی را که درباره این موضوع می توان به عنوان نمونه یادآور شد، در سوره بقره مشاهده می کنیم:

آیه ۱۸۹: «یستلونک عن الالهه قل...»

آیه ۲۱۵: «یستلونک ماذا ینفقون قل...»

آیه ۲۱۷: «یستلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل...»

آیه ۲۱۹: «یستلونک عن الخمر و المیسر قل...» و «یستلونک ماذا ینفقون قل...»

آیه ۲۲۰: «یستلونک عن الیتامی قل...»

آیه ۲۲۲: «یستلونک عن المحیض قل...»

معلم هنگام به کارگیری روش پرسش و پاسخ باید به این نکته توجه نماید که میان «پرسش» و «پاسخ» آن از نظر زمانی نباید فاصله ای نامعقول وجود داشته باشد چرا که به طور طبیعی انگیزه مهم مطلب در زمان ایراد سؤال برای سؤال کننده به مراتب بیشتر از زمانی است که پاسخ سؤال خود را با تأخیر دریافت نماید. بررسی روند اطلاعات مربوط به شأن نزول آیاتی نظیر آیات فوق گویای این مطلب است که به محض ایجاد سؤال و شبهه برای مسلمانان صدر اسلام آیاتی در پاسخ گویی آنها نازل می گشت. (برومند، ۱۳۸۱، ۸۰)

۵- مسئله ی پرسش و پاسخ در سیره ی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام

در مورد کاربرد «روش پرسش و پاسخ» در سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) این که روش مورد نظر همگام با نزول قرآن در سیره پیامبر (ص) کاربرد فراوان داشته است و ایشان بارها و اطلاعات و معارف وسیعی را هنگام پاسخ به سؤالات پرسشگران ظاهر می ساختند. به طور مثال، روایاتی وجود دارد که نشان می دهد میان پیامبر اکرم (ص) و برخی صحابه همچون حضرت علی (ع)، ابوذر، ابن مسعود و ابن عباس، همواره این روش معمول بوده است. (برومند، ۱۳۸۰، ۹۲) امام علی علیه السلام - در خطبه ای، پس از آن که مردم با او به عنوان خلیفه بیعت کردند - فرمود: ای مردم! پیش از آن که مرا از دست دهید از من



پرسید. از من سؤال کنید؛ زیرا دانش اولین و آخرین نزد من است. از من پرسید پیش از آن که مرا از دست دهید. سوگند به آن که دانه را شکافت و انسان را آفرید اگر از آیه قرآن پرسید به شما خواهم گفت که چه وقت و درباره چه کسی نازل شده است.

امام باقر (ع) فرمودند: «کلید دانش، پرسش بی فاصله است». سپس در بیان اهمیت پرسش و ارتباط آن با دانش، امام این شعر را انشاء کرد:

نشفا العمی طول السؤال و انما تمام العمی طول السکوت علی الجهل

یعنی شفا کور باطنی این است که آدمی همواره چیزی را که نمی داند، خجالت نکشد و پرسد و منتهای کور باطنی این است که آدمی حقیقتی را نداند و به ملاحظاتی سکوت کند و نپرسد و به جهالت باقی بماند (مطهری، ۱۳۷۶، ۲۷۱).
داود الرقی می گوید: نزد امام صادق (ع) بودم که حبابه والیه که زنی نیکوکار بود وارد شد و مطالبی را از حلال ها و حرام ها پرسید. ما از سوال های جالب او تعجب کردیم. امام به ما فرمود: آیا سوالی بهتر از سوال های حبابه والیه می شناسید؟... (بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۱).

بنابراین روشن است که روش سوال در سیره ی معصومان (علیهم السلام) از نظر آموزشی اهمیت فراوانی دارد. از این رو آن ها در روند آموزش همواره یا خود سوال هایی را طرح می کردند و یا اینکه شاگردان را وادار به سوال می نمودند.

۶- مسئله ی پرسش و پاسخ از نگاه اندیشمندان

مولوی در مثنوی به تصریح علم و اندیشه را سرچشمه ی پرسش و پاسخ بر می شمارد. سوال و جوابی که از افق اندیشه سر می زند دو با سیر دیالکتیکی پی گرفته می شود، چشم اندازه های تازه ای را در قلمرو دانش راستین و حقیقت می گشاید. از این رو ماهیت پرسشگری به ماهیت علم و دانش و فلسفه نزدیک می گردد. بنابراین مولوی سوال و جواب را از سنخ دانش می شمارد:

زانکه نیم علم آمد این سوال هر برونی را نباشد این مجال

هم سوال از علم خیزد هم جواب همچنانکه خار و گل از خاک و آب

هم ضلال از علم خیزد هم هدی همچنانکه تلخ و شیرین از ندا... (مثنوی، ۳۰۸/۴-۳۰۱۰)

سقراط نقطه عطفی در تاریخ اندیشه است با آنکه کتاب و رساله ای ننوشت، اما روشی از خود به جا گذاشت که برجسته ترین محور اندیشه و فلسفه اوست؛ سقراط به فراوانی طرح سوال کرده است. فلسفه ی او با پرسش آغاز می شود.

همچنین دیدگاه های گریز در باب پرسشگری که وی آن را «پارسایی تفکر» خوانده است، قابل توجه است: «اگر ما می خواهیم واقعا تفکر کنیم و یا به حقیقت نائل شویم، باید بیاموزیم که چگونه درست پرسیم، پرسیم نه برای اینکه به تفکر نزدیک شویم، بلکه پرسیم چون تفکر همین پرسیدن است». تفکر باید از طریق پرسشگری مداوم به راه خود ادامه دهد و صرفا دل به پاسخ ها خوش نکند، و الا خودش را نفی کرده است. (لطفی، ۳۲)

۷- مدیریت پرسش و پاسخ توسط معلم

۷-۱- ایجاد جو مناسب برای شاگردان



اگر شاگردان سؤال نکنند، علل بروز چنین مشکلی را بیشتر می‌توان به معلم نسبت داد که چرا نتوانسته است فضایی را ایجاد نماید که سؤالاتی اساسی و مهم برای شاگردان مطرح شود، سؤالات مهمی که انگیزه طرح و پرسیدن آن‌ها و رسیدن به جواب صحیح را در آنان ایجاد نماید. بدون تردید، در برخی مواقع هم که عدم پرسیدن سؤال به بعضی مشکلات شاگردان نظیر کم‌رویی و احساس خجالت و غیره برگردد، باز هم می‌توان از معلم انتظار داشت که بعد از کشف علل عدم مشارکت بعضی شاگردان در پرسش و پاسخ، شرایطی پدید آورد که هر شاگردی به طرح سؤالات اساسی تحریک و ترغیب گردد.

معلم هرگز این انتظار را ندارد که تمامی شاگردان بتوانند بلافاصله بعد از سؤال معلم، جواب کاملاً درست را به سؤال معلم بدهند. شاگردان مطمئن گردند که حتی اگر بخشی از پاسخ آنان و حتی تمام پاسخ آنان هم غلط باشد، برخورد معلم با آنان، گونه‌ای تمسخرآمیز نیست که آنان در مقابل سایر دوستان خود شرم‌منده و خجالت زده گردند به طوری که دیگر هرگز توان آن را در خود نبینند که پاسخ‌های خود را در مورد سایر سؤالات معلم در بقیه اوقات ارائه دهند و دیگر هرگز در پرسش و پاسخ شرکت نمایند.

وظیفه معلم آن است که کشف کند چرا بعضی شاگردان در پرسش و پاسخ شرکت فعال ندارند. مثلاً چرا بعضی شاگردان به هیچ وجه پاسخ هیچ سؤالی را نمی‌دهند. آیا به واسطه آن است که اصلاً درس را متوجه نمی‌شوند، یا اطلاعات آنان بسیار اندک است، یا علاقه‌ای به معلم و درس ندارند، یا مشکلات و مسایل عاطفی و خانوادگی دارند، یا آن که از کم‌رویی شدید و هراس اجتماعی رنج می‌برند و... معلم باید تا آن جا که می‌تواند در صدد کشف و رفع این مشکلات برآید. این امر در مورد کسانی که سؤالات خود را از معلم نمی‌پرسند نیز صادق است.

هیچ چیزی بهتر از آن نیست که معلم با انجام یک آزمایش یا طرح نمایشی درسی، توجه کلاس را جلب کند و دانش‌آموزان را وا دارد تا سؤالات و مشکلات خود را مطرح کنند (ویکتور ترجمه سیدی نوقایی و همکاران ۱۳۷۲ص ۹۳) به منظور پدید آوردن فضای مناسب برای این که شاگردان سؤالات خود را بپرسند، اتخاذ راهکارهای زیر توسط معلمین می‌تواند مفید باشد:

- ۱- بعد از هر چند دقیقه تدریس قطعاً فرصت‌هایی را برای پرسیدن سؤالات شاگردان از قسمت تدریس شده در نظر گیرند.
- ۲- اگر از هر روش تدریسی، خصوصاً سخنرانی، استفاده می‌کنند روح حاکم بر تدریس خود را پرسش و پاسخ قرار دهند، به طور مکرر، سؤالات مناسبی را از شاگردان خود بپرسند.
- ۳- وقتی شاگردان اظهار نظر می‌نمایند، ایده‌ای را مطرح می‌سازند، سؤالی را می‌پرسند و یا پاسخ سؤالی را می‌دهند، با نهایت دقت و توجه - حتی اگر قسمت‌هایی مطابق نظر آنان نیست- گوش دهند و تا وقتی که کاملاً اظهار نظر و یا پاسخ شاگردان به اتمام نرسیده، و در بعضی موارد چند ثانیه‌ای بعد از آن به منظور تفکر بیشتر شاگردان، مطلبی را اظهار ندارند.



۴- در حد اعتدال سؤالات خوب و یا پاسخ‌های درست را مورد تشویق قرار دهند. هرگز نباید در میزان این تشویق افراط کرد، زیرا می‌تواند مانعی برای بعضی شاگردان دیگر باشد که اگر سؤالات و یا پاسخ‌های آن‌ها آن اندازه خوب نباشد، از طرح آن‌ها احساس خجالت نمایند.

۷-۲- مشارکت همه دانش‌آموزان در روند پرسش و پاسخ

اگر هدف تدریس را یادگیری تمام شاگردان بدانیم و معتقد باشیم که پرسش و پاسخ وسیله تفکر و تجربه شاگردان و لذا افزایش و بهبود یادگیری آن‌ها است، لذا باید وظیفه معلم را آن بدانیم که کل شاگردان کلاس را در امر مهم پرسش و پاسخ مشارکت دهد. گاهی اوقات، معلم آگاهانه یا ناخودآگاهانه، توجه خود را بیشتر معطوف تعدادی از شاگردان خاص خصوصاً کسانی که بیشتر خود را نشان می‌دهند، یعنی بیشتر سؤال می‌پرسند و بیشتر به سؤالات معلم پاسخ می‌گویند، می‌دارد و از بقیه کلاس غافل می‌ماند درست است که در چنین مواقعی می‌توان به آن دسته از شاگردانی که در پرسش و پاسخ مشارکت فعال ندارند ایراد گرفت، اما ایراد اساسی بر معلم وارد است که چرا به انحاء گوناگون و با فنون خاص کاری نمی‌کند که تمام شاگردان کلاس در پرسش و پاسخ مشارکت داشته باشند. کلیه دانشجویان کلاس باید بدانند که به تناسب از آنان سؤال خواهد شد. نویسندگان فوق معتقدند که توجه کردن به تک تک دانشجویان، حتی‌الغیر با پاسخ دادن به سؤالات آنان باشد، بر ایجاد احساس خوب در آنان در مورد مدرس و میزان توجه و احترام آنان نسبت به وی بسیار مؤثر است. (براون و رگ ترجمه فضائلی هاشمی، ۱۳۷۸ ص ۴۹)

همیشه دانش‌آموزانی چند وجود دارند که از مشارکت در بحث ناخشنودند. جهت دادن پرسش‌ها به سوی این گونه دانش‌آموزان، به صورتی که تهدیدآمیز نباشد، کمک خواهد کرد تا آن‌ها نیز در بحث مشارکت داشته باشند. اگر آن‌ها پاسخ بدهند، باید تا آن‌جا که ممکن است پاسخشان را مورد تحسین قرار داد و متناوباً آن را در بحث و گفتگو مطرح ساخت. اگر نتوانند جواب بدهند، بعد از آن که تذکری به آن‌ها داده می‌شود و باتکان دادن، تشویق به فعالیت بیشتری می‌شوند، باید پرسش را به دانش‌آموز دیگری توجه داد (براون، ترجمه رؤوف، ۱۳۷۳ ص ۲۰۵).

۷-۳- نحوه ی برخورد معلم با پرسشگری دانش‌آموزان

شایسته است معلمین با در نظر گرفتن هدف خود از پرسش و پاسخ که پرورش روحیه اکتشاف و تفکر و تحقیق در شاگردان است، واکنش خود را مقابل سؤالات مختلف شاگردان که با انگیزه‌های متفاوت هم پرسیده می‌شود تنظیم نمایند و خود را برای برخورد مناسب با هر کدام از موارد مذکور آماده سازند. (میلرومیلر ترجمه میری، ۱۳۸۰ صص ۱۵۳-۱۵۲)

وقتی دانش‌آموزی سؤال می‌کند یعنی مایل است که بداند، و این تمایل به دانستن حاکی از علاقمندی اوست و همین علاقه سبب می‌شود که توضیحات معلم را از جان و دل بپذیرد. معلم ماهر به خوبی تشخیص می‌دهد که هر گاه عامل علاقه وجود



داشته باشد آموزش فعال ارزش خود را نشان می‌دهد. هدایت دانش‌آموزان به مطالعه کتاب‌های مفید، نه تنها در یافتن جواب مسایل و پرسش‌هایشان آنان را یاری می‌دهد، بلکه در می‌یابند که دانشمندان بسیاری نیز با چنین مسایلی مواجه بوده‌اند، در این صورت به ارزش تلاش و تحقیقاتی که برای یافتن حل مسائل مبذول می‌دارند، پی برده و به آن ارجح می‌نهند (آزبرن و همکاران، ترجمه رستگار و دانشفر، ۱۳۷۴ صص ۷۰-۶۹).

لازم نیست معلم در تمام موارد بلافاصله سؤالات شاگردان را پاسخ گوید، بعضی موارد خوب است معلم زمینه‌ای فراهم سازد که خود شاگردی که سؤالی را می‌پرسد و یا مجموعه شاگردان بتوانند به گونه‌ای توسط معلم جهت داده و راهنمایی شوند که به جواب درست برسند.

بعضی از سؤالات ممکن است در رابطه با درس روز نباشد یا سؤالات مرتبط با درس نباشد که در این صورت معلم بایستی کلاس را آگاه سازد که به سؤالات در درس‌های آینده پاسخ داده خواهد شد یا دانش‌آموزان سؤالات مربوط به درس را بپرسند.

دانش‌آموزان ممکن است آزمایش اطلاعات مدرس و برخی دیگر اصطلاحاً گیرانداختن او را مدنظر داشته باشند. برخی اتلاف وقت کلاس و جلوگیری از ادامه تدریس را وجهه نظر خویش قرار دهند. برخی قصد ایراد گرفتن و فضل فروشی و خودنمایی داشته باشند. بعضی دیگر هم باشند که هدفشان به راستی رسیدن به حقیقت یک مطلب و رسیدن به پاسخ درست و رفع ابهام و مواردی از این قبیل باشد. چه بسا معلم نیز با اندکی دقت بتواند هر کدام از انگیزه‌های مذکور را تشخیص دهد.

۴-۷- نحوه ی برخورد معلم با پاسخ دانش‌آموزان به سؤالات

واکنش معلم در مقابل پاسخ‌های شاگردان به سؤالات وی می‌تواند حداقل شامل پنج نوع واکنش متفاوت به پاسخ‌ها بشود: “پذیرفتن، رد کردن، توضیح یا تشریح خواستن، شاهد خواستن برای ارزشیابی پاسخ و برای تأیید آن چه بیان شده است و از دیگری پرسیدن”. (دیتس و نلسون (۱۹۷۴) ترجمه سقط‌چیان، ۱۳۶۶ ص ۶۸)

در برخی موارد معلم می‌تواند سؤالی مطرح سازد و پاسخ‌های مختلف شاگردان به آن سؤال را دریافت دارد، هر پاسخ را در حد ممکن به خاطر سپارد، و یا آن که نکات مهم و کلیدی آن پاسخ را به صورت خلاصه روی تابلو بنویسد، نهایتاً تک تک پاسخ‌های ارائه شده را مورد تحلیل و تشریح قرار دهد و با توضیح علمی نکات درست مطرح شده در هر پاسخ امکان آن را فراهم سازد که شاگردان احساس کنند می‌توانند پاسخ‌های خوب و علمی ارائه دهند.

۵-۷- تشویق و تقویت دانش‌آموزان با پاسخگویی صحیح

به‌طور کلی، تشویق، یکی از عوامل تکرار عمل نیک و مهر تأییدی است بر افعال و اعمال افراد تا انگیزه‌ها را بالا برده، «ملکه ذهنی» عمل نیک را فراهم آورد و زمینه تکرار آن را افزایش دهد. تشویق چند گونه است؛ گاه به صورت کلامی است و گاه ابزاری و مادی، مثل جایزه و غیره (خنیر، ۱۳۸۱ صص ۶۴-۶۳)



علاوه بر اظهارات شفاهی، تشویق‌های کتبی در ورقه امتحان و دفترچه تکلیف دانش‌آموزان بر یادگیری آنان اثر مثبت دارد. پژوهش‌هایی که پیچ (۱۹۵۸) در این باره انجام داده او را متقاعد کرده‌اند که وقتی معلم به خود زحمت می‌دهد که در دفترچه تکلیف دانش‌آموزان اظهارات تشویق‌آمیزی بنویسد، این اظهارات به کوشش، دقت، نگرش یا هر آن چه سبب افزایش یادگیری دانش‌آموزان می‌شود تأثیر چشم‌گیری دارد. این تأثیر از توانایی دانش‌آموز برای یادگیری مستقل است (سیف، ۱۳۸۷، ۲۱۴).

مسئله تشویق پاسخ‌های خوب و اظهار نظرهای بجای شاگردان نیز اثرات مثبت و انکارناپذیر دارد. زمانی که دانش‌آموز پاسخ یک سؤال را، به صورت صحیح، سریع و استوار، می‌دهد باید توسط معلم مورد تشویق قرار گیرد. تشویق و قدردانی زیادی هم لازم نیست. اغلب، بسته به سن، زمینه قبلی و درجه اعتماد به نفس شاگرد، یک سرتکان دادن و یا حالات ژست و قیافه معلم کافی خواهد بود (اگر چه دانش‌آموزان جوان دارای اعتماد به نفس کمتر و دانش‌آموزان دارای توانایی پائین‌تر ممکن است نیازمند به تقویت مثبت و تمجید بیشتری باشند).

۶-۷- برخورد معلم هنگام پاسخ نادرست دانش‌آموز

می‌توان دو نوع پاسخ غلط را مورد شناسایی قرار داد: پاسخ‌های غلط ناشی از عدم توجه یا عدم تلاش، و پاسخ‌های غلط ناشی از عدم درک. در هر دو مورد، معلم باید این موضوع را بفهماند که پاسخ سؤال غلط است و این کار را به صورتی طبیعی بدون آن که بخواهد انتقادی شخصی نسبت به دانش‌آموز داشته باشد انجام دهد. نتایج برخی تحقیقات نشان داده است در مواقعی که پاسخ‌های دانش‌آموز به واسطه عدم توجه خود او غلط می‌باشد، انتقاد معلم از او اثر بخش نخواهد بود و ممکن است به جای مفید بودن، مضر باشد به طوری که دانش‌آموز را در مقابل معلم قرار دهد و سبب تلاش کمتر بعدی وی گردد. به محض آن که معلم خاطر نشان می‌سازد که پاسخ دانش‌آموزی غلط است، باید به سرعت خود را متوجه دانش‌آموز بعدی سازد، و همان که از تحسین دانش‌آموز قبلی خودداری می‌کند برای آن دانش‌آموز کافی است.

اما اگر پاسخ دانش‌آموزی به علت عدم درک او و یا دانش ناکافی او غلط باشد، لازم است معلم راهکار دیگری را در پیش گیرد. در این موقع معلم باید ضمن تحریک دانش‌آموز، و کمک به وی در ارائه پاسخ درست، سؤال مورد نظر را ساده‌تر طرح نماید (مثلاً با تجزیه آن به مجموعه‌ای از مراحل و قدم‌های کوچک) و یا آن که معلم به گونه‌ای اشاره نماید که شاگرد بتواند پاسخ صحیح را پیدا کند. اگر چنین امری هم به پاسخ درست منجر نگردد، معلم می‌تواند از شاگرد دیگری بخواهد پاسخ ارائه شده را تصحیح نماید. همیشه بهتر است که تصحیح پاسخ‌های اشتباه و ارائه پاسخ درست بر عهده دانش‌آموزان دیگر گذارده شود تا آن که خود معلم بخواهد پاسخ درست را بلافاصله ارائه دهد (نوروزی، ۱۳۷۴، ۱۳۲).

۷-۷- برخورد معلم، هنگامی که پاسخ سوالی را نمی‌داند

معلمان اگر پاسخ سوالی را نمی‌دانند، تلاش نکنند با سفسطه ایده غلطی را به شاگردان یاد دهند بلکه با همان قاطعیتی که از نظرات درست خود دفاع می‌نمایند و آن‌ها را مطرح می‌سازند با همان قاطعیت، از گفتن «نمی‌دانم» از خود اکراه نشان ندهند و



به راستی چقدر زیبا و آموزنده است برای شاگردان، رفتار معلمی که در عین توان علمی بالا، با این وجود در مواردی که ندرتاً پاسخ سؤالی را نمی‌داند به این ندانستن اعتراف می‌کند.

به هر صورت، باید توجه داشت که این طرز فکر بسیار کودکانه‌ای است که از معلم انتظار داشته باشیم که پاسخ تمام سؤالات شاگردان را بداند آن هم در عصری که دامنه و وسعت علوم این گونه زیاد و علوم مختلف در این حد و میزان تخصصی و پرنکته گردیده‌اند. فراموش نکنیم که آغاز همه این دانش‌ها و علوم همه «نمی‌دانم» بوده است و نه «می‌دانم».

هیچ مدرسی به موضوع تدریس خود احاطه کامل ندارد [همه چیز را همگان دانند] و چه بسا دانشجویان سؤالاتی را مطرح کنند که مدرس قادر به پاسخگویی به آن‌ها نباشد. در چنین مواردی مدرس نباید مضطرب شده، در لحن و گفتار، با ابراز بی‌زاری، یأس و آزرده‌گی مانع طرح سؤالات دیگر شود" (میلر و میلر، ترجمه میری، ۱۳۸۰ ص ۷).

۷-۸- شنیدن دقیق و کامل پاسخ‌های دانش‌آموزان

معلمین باید نشان دهند که به مشارکت شاگردان در پرسش و پاسخ اهمیت می‌دهند و از نظر آنان مهم است که شاگردان با تفکر و تحقیق تا آن‌جا که برایشان مقدور است خلاقانه و مبتکرانه پاسخ‌های خوب و مناسب ارائه دهند. به منظور آن که معلمین بتوانند چنین امری را برای شاگردانشان اثبات کنند قطعاً ضروری است به طرق مختلف توجه و علاقمندی خود را به پاسخ‌های ارائه شده از سوی شاگردان برسانند. شاید آسان‌ترین راه، گوش کردن دقیق و مشتاقانه پاسخ‌های شاگردان است. متأسفانه بسیاری از معلمین ترجیح می‌دهند که اغلب اوقات، گوینده باشند.

البته، گوش دادن «توجه به کلام دیگران، خود محتاج یادگیری فونونی خاص است. با این تعبیر، توجه به سخن دیگران، بدون آگاهی از خطر آفت‌های کلام متکلم هیچ سودی نخواهد داشت. به عبارت دیگر، بهره‌داری از یک سخن حکیمانه، علاوه بر توجه، به میزان آگاهی‌های شنونده از ظرافت‌های آن نیز بستگی دارد. از نظر علی (ع) حسن استماع همچنین باعث می‌گردد فرد زودتر به نکات و فواید سخن پی‌برده و از آن منتفع گردد (برومند ۱۳۸۰، صص ۲۱۸-۲۱۷)



نتیجه گیری:

پرسش و پاسخ را می توان هم به منزله یک روش تدریس مستقل و هم به عنوان یک فن و تکنیک که می تواند موجب بهبود اثربخشی تمام روش های دیگر، خصوصاً روش تدریس سخنرانی، می گردد قلمداد نمود. روح حاکم بر کلاس درس باید پرسش و پاسخ و بهبود روحیه کنجکاوی، تحقیق و اکتشاف در شاگردان باشد. علاوه بر این، باید زمان های مشخصی را برای امر پرسش و پاسخ در کلاس درس تعیین نمود. پرسش و پاسخ واجد اهمیت و فواید فراوانی برای معلمین و شاگردان است و زمانی می توان به فواید مذکور امیدوار بود که معلمین به نکاتی که موجب افزایش ثمردهی آن است توجه نمایند. باید به عوامل مختلف همچون: ایجاد جو و فضای مناسب برای شاگردان، زمینه سازی مشارکت همه دانش آموزان در روند پرسش و پاسخ، برخورد مناسب معلم با پرسشگری دانش آموزان، برخورد مناسب معلم با پاسخ دانش آموزان به سوالات، تشویق و تقویت دانش آموزان با پاسخگویی صحیح و همچنین برخورد مناسب معلم هنگام پاسخ نادرست دانش آموز توجه نمایند. همچنین معلمان اگر پاسخ سؤالی را نمی دانند، تلاش نکنند با سفسطه ایده غلطی را به شاگردان یاد دهند بلکه با همان قاطعیتی که از نظرات درست خود دفاع می نمایند و آن ها را مطرح می سازند با همان قاطعیت، از گفتن «نمی دانم» از خود اکراه نشان ندهند. مطمئناً نکات بیان شده به نوعی زمینه ساز ایجاد اخلاق حرفه ای در مدیریت پرسش و پاسخ در روند تدریس خواهد بود.



منابع:

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای
- امینی، ارکان؛ (۱۳۹۰)؛ تعیین میزان تاثیر آموزش کتاب دین و زندگی با روش پرسش و پاسخ بر رشد مهارتهای تفکر انتقادی دانش آموزان پایه ی سوم دوره متوسطه؛ کارشناسی ارشد، دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز.
- آزرین و همکاران. (۱۹۸۷). نکات اساسی در آموزش علوم ابتدایی. ترجمه طاهره رستگار و حسین دانشفر. (۱۳۷۴). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- آسوده، طیبه؛ (۱۳۹۶)، بررسی نقش روش تدریس پرسش و پاسخ در میزان فراشناخت دانش آموزان از دیدگاه معلمان مدارس دخترانه مقطع متوسطه شهر کرمانشاه؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ کرمانشاه؛ ایران
- آقایی، زهرالسادات؛ (۱۳۹۵)؛ اثربخشی روش تدریس پرسش و پاسخ در تعلیم و تربیت کودکان؛ همایش بین المللی علوم انسانی
- براون، جورج و رگ، ای. سی. (۱۳۷۸). پرسشگری. ترجمه سعید فضائلی هاشمی. مشهد: آستان قدس رضوی
- براون، جورج. (۱۳۷۳). تدریس خرد. ترجمه علی رؤوف. چاپ دوم، تهران: مدرسه.
- برومند، سید مهدی. (۱۳۸۰). شیوه های تعلیم در قرآن و سنت. رشت: کتاب مبین.
- خنیفر، حسین. (۱۳۸۱). نگاهی دوباره به روش ها و فنون تدریس. قم: دفتر تبلیغات اسلامی - مؤسسه بوستان کتاب قم
- دیتس، جورج و نلسون، آبراهام. (۱۹۷۴). آموزش علوم در مدارس ابتدایی. ترجمه دکتر بهمن سقط چیان (۱۳۶۶). تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- رحمانی، رحمت؛ (۱۳۸۸)؛ تاثیر روشهای آموزش سخنرانی و بحث گروهی بر میزان یادگیری دانشجویان، فصلنامه به سوی توسعه؛ سال پنجم؛ شماره دوم.
- رحیمی مند، مریم؛ عباسپور، عباس؛ (۱۳۹۴)، رابطه روش های تدریس (مباحثه گروهی، پرسش و پاسخ، نمایش علمی و سخنرانی) با انگیزه پیشرفت در دانشجویان؛ فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال دوازدهم، شماره سی و نهم.
- سجادیه، نرگس؛ دیالمه، نیکو؛ طوسی، خلیل آباد، سارا؛ (۱۳۹۶)، رویکردی تربیتی به کارکردهای پرسش از منظر قرآن کریم، دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم؛ سال هفتم؛ شماره شانزدهم
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۷). روانشناسی پرورشی نوین (ویرایش ششم). تهران: دوران
- شکیبایی، زهره؛ گلیچی، یاسر؛ خلعتبری، جواد؛ (۱۳۸۹)، تاثیر داستانهای مثنوی معنوی مولانا بر میزان مهارت پرسشگری فلسفی نوجوانان؛ فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، سال دوم، شماره ۲.
- صفائی حائری، علی؛ (۱۳۹۰) انسان در دو فصل؛ چاپ ششم؛ قم؛ لیله القدر
- صفوی، امان الله؛ (۱۳۷۲)؛ کلیات روشها و فنون تدریس؛ چاپ سوم؛ تهران، معاصر
- علوی، سید حمید رضا، (۱۳۹۶)، روش ها و فنون تدریس، چاپ اول، تهران، انتشارات آوای نور.



- قائدی، یحیی؛ (۱۳۸۳)، آموزش فلسفه به کودکان (بررسی مبانی نظری)، تهران، دواوین
- کرد، بهمن؛ (۱۳۸۱)؛ بررسی تاثیر ارزشیابی تکوینی بر پیشرفت تحصیلی در علوم تجربی دانش آموزان پایه ی پنجم ابتدایی شهرستان بوکان در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱؛ کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی دانشگاه تربیت آموزگار تهران.
- گنجی، کامران؛ (۱۳۹۸)؛ بررسی و تحلیل پرسشهای شفاهی معلمان دوره ابتدایی مدارس سماء دانشگاه آزاد اسلامی؛ فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، سال ششم؛ شماره ۲۱.
- لطفی، محمود؛ (۱۳۸۵)، تفکر تکنولوژیک از دیدگاه مارتین هایدگر؛ خردنامه همشهری، دی ماه ۱۳۸۵، شماره ۱۰.
- مجلسی، محمد باقر؛ (۱۴۰۳)؛ بحار الانوار؛ جلد ۴۷؛ بیروت
- مطهری، مرتضی؛ (۱۳۸۵)؛ انسان کامل؛ تهران؛ انتشارات صدرا
- مولوی، جلال الدین؛ (۱۳۷۵)؛ مثنوی معنوی؛ تهران؛ انتشارات طوس
- میلر، دبلیو. آر و میلر، ماری. (۱۳۸۰). راهنمای تدریس در دانشگاهها. ترجمه دکتر ویدا میری. تهران: سمت
- نوروزی، داریوش؛ آقازاده، احمد؛ و عزت خواه، کریم. (۱۳۷۴). روشها و فنون تدریس. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- ویکتور، ادوارد. (۱۳۷۲). آموزش علوم در مدارس ابتدایی، ج ۱، ترجمه سیداحمد سیدی نوقابی، رضا شالفروشان، محمدقاسم لطف آبادی و محسن مدیر شانه چپی. چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی.